

من معالم التوحيد
از نشانه های توحید

از نشانه های توحید

عبدالرازق بن عبدالمحسن البدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين، والعاقبة للمتقين، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، صلى الله وسلم عليه وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد:

بی گمان توحید، سرآغاز و فرجام دین است، باطن و ظاهر آن است، توحید پیام نخستین و واپسین پیامبران است، و معنی گفتن «لا إله إلا الله» را در بر دارد، برای همین حقیقت، آفرینش پدید آمده، پیامبران فرستاده شدند، کتاب های آسمانی نازل گشت و مردمان به دو دسته تقسیم شدند، مؤمنان و کافران، خوشبختان بهشتی و نگونبختان دوزخی، توحید نخستین وظیفه ای است که بر عهده هر مکلفی نهاده شده و حقیقت دین اسلام است که الله متعال جز آن را از هیچکس نمی پذیرد، پس شأن توحید بسا والا و جایگاهش بی اندازه بلند است، و هر یک از ما نیازمند تذکر و بینایی در این راهیم، در این رساله «از نشانه های توحید»، به بیان گوشه هایی از مناره ها و نشانه های توحید، در روشنی مسائل ذیل می پردازیم:

مسئله نخست: ویژگی ها و فضیلت های توحید.

مسئله دوم: حقیقت توحید.

مسئله سوم: تحقق بخشیدن و تکمیل توحید.

مسئله چهارم: نواقض و کاستی های توحید.

مسئله پنجم: مصادر و منابع توحید.

مسئله ششم: ثمرها و فواید توحید.

این شش مسئله، محور بحث این رساله است به شکل فشرده و کوتاه، هر یک از این مسائل نیازمند بیان تفصیل است، ولی من به اندازه برآوردن مقصود، به توفیق الله تبارک و تعالی، بسنده می‌کنم، یاری و توفیق را تنها از او می‌جویم:

مسئله نخست:

ویژگی‌ها و فضیلت‌های توحید

بدان که توحید ویژگی‌ها و فضیلت‌های بسیار دارد، که جایگاه بلند و منزلت رفیع آن را نشان می‌دهد، و در اینجا به ده مورد اشاره می‌کنم:

اول: توحید همان هدفی است که برای آن آفریده شده ایم و پدید آمده ایم تا به آن برسیم؛ چنانکه الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ 56﴾

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ 56﴾

و جن و انس را فقط برای این آفریده‌ام که مرا عبادت کنند. [سورة الذاریات] و معنای

﴿إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾

﴿إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ این است: «تا او را یکتا بدانند»، پس توحید هدف زندگی ما در این جهان است، و الله متعال ما را بی‌هوده نیافریده و ما را رها نکرده است، بلکه آفریدگان را آفرید تا او را پرستند و پدید آورد تا یگانه‌اش شمارند، همین برای عظمت و جایگاه والای توحید بسنده است.

دوم: توحید محور دعوت پیامبران و فرستادگان الهی است؛ یعنی هر پیامبری که الله متعال او را فرستاده، دعوتش بر توحید استوار بوده

است، دلایل این امر فراوان است، از جمله فرموده الله سبحانه و تعالی:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصُّغُوتَ﴾
﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الصُّغُوتَ﴾
یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: «الله یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری کنید». [النحل: 36]، و فرموده الله متعال:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾
﴿ 25

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾
﴿ 25

و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر آنکه به او وحی کردیم که [به مردم بگوید]: «معبودی [برحق] جز من [= الله] نیست؛ پس تنها مرا عبادت کنید». [سورة الأنبياء : 25]، و الله عزوجل فرموده اند:

﴿وَسَلِّ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجْعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهَةً يُعْبُدُونَ﴾
﴿ 45

﴿وَسَلِّ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجْعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِلَهَةً يُعْبُدُونَ﴾
﴿ 45

از پیامبرانی که پیش از تو فرستادیم پرس که آیا غیر از [الله] رحمان، معبودانی برای عبادت قرار داده‌ایم [مسئلاً چنین نیست]. [سورة الزخرف]، و الله متعال فرموده:

﴿وَأَذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَابِ وَقَدْ خَلَّتِ النَّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾

﴿وَأَذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾

[ای پیامبر، سرگذشت هود،] برادر قوم عاد را یاد کن؛ آنگاه که در سرزمین «احقاف» [= ریگزاری در جنوب شبه جزیره عربستان] قومش را هشدار می داد. در حالی که هشدار دهندگان [دیگری نیز] در گذشته های دور و نزدیک آمده بودند. [و چنین می گفت] که: «تنها الله را عبادت کنید». [الأحقاف: 21] والنُّذُرُ: یعنی پیامبران؛ بدین معنا که پیامبران پیشین و پسین، همگی بر این هدف اتفاق داشتند.

﴿أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾،

﴿أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾،

که: «جز الله کسی را عبادت نکنید». پس توحید، پایه دعوت پیامبران و فرستاده گان است؛ از اینرو، نخستین سخنی که مردم از پیامبران خود می شنوند، دعوت به یگانگی الله متعال است؛ چراکه توحید اساسی است که دین بر آن بنا می شود؛ همانا دین را به درختی می توان تشبیه کرد که ریشه و شاخه دارد، و درخت جز با ریشه اش برپا نمی ماند، و دین جز با پایه اش. که توحید است. استوار نمی گردد.

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ

وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ 24﴾

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ

وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ 24﴾

[ای پیامبر،] آیا ندیدی که الله چگونه مثل زده است؟ کلمه پاک [لا اله الا الله] همچون درخت [نخل تنومند و] پاکی است که ریشه اش [در اعماق زمین] استوار است و شاخه اش بر آسمان [سر برآورده] است. [سورة إبراهيم : 24]، و همانگونه که اگر ریشه درختی بریده

شود، آن درخت خواهد مُرد، دین نیز اگر بر پایه توحید استوار نباشد، سودی نخواهد داشت، پس جایگاه توحید در دین، همانند جایگاه ریشه ها برای درختان و ستون ها برای ساختمان هاست.

آنچه دلالت بر این دارد که توحید محور دعوت انبیا و رسولان و اساس رسالت آنان است، این کلام پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد که به طور صحیح از ایشان نقل شده است: «الْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ مِنْ غَلَاتٍ، وَأُمَمَاتُهُمْ شَتَّى، وَدِينُهُمْ وَاحِدٌ»

«پیامبران باهم برادران علایق هستند، و مادران شان گوناگون، ولی دین شان یکی است.»¹ یعنی عقیده ایشان یکی است، همگی دعوت کنندگان به یگانگی الله متعال اند، (وَأُمَمَاتُهُمْ شَتَّى) مادران شان گوناگون است، یعنی شریعت های شان مختلف است،

﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾

﴿لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾

ما برای هر یک از شما [امت ها] آیین و راهی روشن قرار دادیم > [المائدة: 48].

سوم: از ویژگی های توحید آن است که نخستین واجبی بر شخص مکلف است؛ پس نخستین چیزی که بر انسان واجب می شود برای ورود به این دین، توحید است، و نخستین چیزی که انسان در دعوت به سوی الله سبحانه بدان آغاز می کند، توحید است، بر این امر دلایل بسیار دلالت دارد؛ از جمله سخن پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: «أُمِرْتُ أَنْ أَقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ».

¹ مسلم (2365) از حدیث ابو هریر رضی الله عنه نقل نموده است.

امر شده‌ام که با مردم بجنگم تا آنکه شهادت دهند معبودی [به حق] جز الله نیست. حدیث^۱، از آن جمله فرموده او صلی الله علیه وسلم برای معاذ بن جبل هنگام فرستادن او به سوی یمن: «إِنَّكَ تَقْدُمُ عَلَى قَوْمٍ أَهْلُ كِتَابٍ، فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ عِبَادَةُ اللَّهِ عز وجل». «تو به سوی قومی از اهل کتاب می روی، پس اولین چیزی که آنها را به آن فرا میخوانی عبادت الله عزوجل باشد». حدیث^۲؛ و در روایت به این لفظ آمده است: «إِنَّكَ تَقْدُمُ عَلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ كِتَابٍ، فَلْيَكُنْ أَوَّلَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَى أَنْ يُوحِّدُوا اللَّهَ تعالی»^۳،

«تو به سوی قومی از اهل کتاب می روی، پس اولین چیزی که آنها را به آن فرا میخوانی توحید الله عزوجل باشد». و در روایت به این لفظ آمده است: «إِنَّكَ سَتَأْتِي قَوْمًا أَهْلُ كِتَابٍ، فَإِذَا جِئْتَهُمْ، فَادْعُهُمْ إِلَى أَنْ يَشْهَدُوا أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»^۴،

تو به سوی قومی از اهل کتاب می آیی، پس چون به نزد آنان آمدی، آنان را فراخوان تا این که گواهی دهند که معبودی جز الله نیست و محمد رسول الله است. پس توحید نخستین چیزی است که بر مکلفان واجب می شود که به آن آغاز نمایند، و نخستین چیزی است که انسان با آن وارد این دین می شود، پس دین بر توحید استوار است و توحید اساسی است که بر آن دین بنا می شود.

^۱ بخاری (25، 1399)، و مسلم (21، 22) از حدیث ابو هریره و ابن عمر و غیر آنان رضی الله عنهم نقل نموده اند.

^۲ بخاری (1458)، و مسلم (19) نقل نموده اند.

^۳ بخاری (7372) نقل نموده است.

^۴ بخاری (1496) نقل نموده است.

چهارم: از ویژگی های توحید آن است که سبب محفوظ بودن و هدایت در دنیا و آخرت می گردد، و این را در فرموده الله سبحانه و تعالی بخوان:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ 82﴾
 ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ 82﴾

کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را به [هیچ] شرکی نیالوده اند، آنانند که امنیت [و آرامش] دارند و رهیافتگاند». [سورة الأنعام: 82]، امن به دست الله است، و او سبحانه و تعالی آن را تنها به موحدی عطا می کند که دین را برای او خالص گرداند، هنگامی که این آیه نازل شد - چنانکه در حدیث صحیح آمده است - بر صحابه گران تمام شد و نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند و گفتند: ای رسول الله! کدام یک از ما بر خود ستم نکرده ایم؟» (یعنی هر یک از ما به نحوی بر خویش ستم نموده ایم) حال آنکه الله متعال می فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ 82﴾

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ ٱلْأَمْنُ وَهُمْ مُّهْتَدُونَ 82﴾

کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را به [هیچ] شرکی نیالوده اند، آنانند که امنیت [و آرامش] دارند و رهیافتگاند». پس معنایش آن است که بهره ای از امنیت و هدایت نداریم؛ زیرا هر یک از ما بر خود ستم کرده ایم، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «چنین نیست - یعنی مقصود از ظلم در این آیه آن نیست - مگر سخن بنده صالح (لقمان حکیم) را نخوانده اید

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ 13﴾

﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ 13﴾

یقیناً شرک، ستم بزرگی است. [سورة لقمان: 13]»، پس او - علیه الصَّلَاة وَالسَّلَام - ظلم در این آیه را به شرک تفسیر نموده است؛ این سیاق نشان می دهد هر که ایمان آورد و شرک نورزید، برای او در دنیا و آخرت امنیت و هدایت است، پس این از ویژگی های توحید است: هر که موحد باشد، الله سبحانه و تعالی به او امنیت و هدایت در دنیا و آخرت عطا می کند.

پنجم: از ویژگی های توحید آن است که در توحید سلامت از اضطراب و تناقض است، برخلاف دیگر باورها که آشفته و متناقض اند، که بر این امر فرموده الله سبحانه و تعالی دلالت دارد:

﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا 82﴾

﴿وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا 82﴾

اگر از سوی [کسی] غیر از الله بود، قطعاً اختلاف [و تناقض] بسیاری در آن می یافتند. [سورة النساء: 82]، پس باورهای را که مردم می سازند و پدید می آورند، در آنها آشفتگی و تناقض بسیار است، اما ایمان صحیح و اعتقاد سلیم و استوار و توحید پایدار آن که از کتاب الله و سنت پیامبرش صلی الله علیه و سلم برگرفته شده، از همه این ها سالم است.

ششم: از ویژگی های توحید آن است که با فطرت های سالم و خردهای استوار هماهنگ و موافق است؛ پس توحید دین فطرت است، و اگر انسان را با فطرتش رها کنند، جز توحید را نخواهد پذیرفت؛ زیرا با فطرت همسوست، بلکه خود فطرت است چنانکه الله سبحانه و تعالی فرموده:

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ 30﴾

﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ 30﴾
[ای پیامبر،] حقگرایانه و خالصانه به این دین روی آور. [این آیین پاک،] اسلام است که الله فطرت مردم را بر اساس آن سرشته است. هیچ تغییری در آفرینش الله نیست. این است [راه راست و] دین استوار؛ ولی بیشتر مردم [حقیقت را] نمی‌دانند. [سورة الروم،] اما شرک، خروج از فطرت و انحراف از آن است، از اینرو در «صحیح مسلم» حدیث قدسی آمده است که الله متعال در آن می‌فرماید: «وَإِنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي حُنَفَاءَ كُلَّهُمْ، وَإِنَّهُمْ أَتَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ»¹؛

«همانا من بندگانم را حنیف آفریدم (همه را بر فطرت توحید)، اما شیطان‌ها به سراغ شان آمدند و آنان را از دین شان منحرف ساختند». خلقت عبادی حنفاء: به معنای فطرتی است که همان توحید است، پس شیطان‌ها آمدند و ایشان را از دین شان برگرداندند (منحرف کردند).

و در "صحیح" از حدیث ابو هریره رضی الله عنه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ إِلَّا يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ، فَأَبَوَاهُ يُهَوِّدَانِهِ، وَيُنَصِّرَانِهِ، وَبُهْمَانِهِ، هَلْ تَجِدُونَ فِيهَا مِنْ جَدْعَاءَ، حَتَّى تَكُونُوا أَنْتُمْ تَجْدَعُونَهَا؟»²،

¹ مسلم (2865) از حدیث عیاض بن حمار المجاشعی رضی الله عنه، نقل نموده است.

² بخاری (6599) نقل نموده است.

هیچ نوزادی نیست مگر آنکه بر فطرت [پاک] زاده می شود؛ پس این پدر و مادر او هستند که او را یهودی یا نصرانی می گردانند، همانگونه که شما چهارپایان را [آسیب دیده] می آورید، آیا در [نوزاد] آنها نقصی می یابید، مگر آنکه خود شما آن را ایجاد کرده باشید؟ و در روایت: «قَابَوَاهُ يَهُودَانِهِ، أَوْ يُنَصِّرَانِهِ، أَوْ يُمَجِّسَانِهِ، كَمَا تُنْتَجُ الْبَهِيمَةُ بَهِيمَةً جَمْعَاءَ، هَلْ تُحْسِنُونَ فِيهَا مِنْ جَدْعَاءَ؟»¹

پس پدر و مادر او هستند که وی را یهودی یا نصرانی می سازند، یا به آیین مجوس در می آورند؛ همانگونه که چهارپا، سالم و بی نقص زاده می شود، آیا در آن هنگام نقصی احساس می کنید؟. همانا چهارپا از شکم مادرش سالم و کامل، با گوش ها و اندام های تمام پا به دنیا می آید، پس اگر پا یا دست یا گوشی از آن بریده شده باشد، این از ذات آفرینش نیست، بلکه نتیجه کار مردم است پس از آن که کامل و بی عیب زاده شده است، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «حَتَّى تَكُونُوا أَنْتُمْ تَجْدَعُونَهَا»

«تا آن که شما خود آن را نقصان می بخشید.» پس همین گونه نوزاد بر فطرت زاده می شود، و اگر نصرانی یا یهودی گردد، یا به مجوسیت گراید، یا در هرگونه انحراف و کجروی و گمراهی و باطل بیفتد، این همه به سبب کار پدر و مادر یا محیطی است که در آن پرورش می یابد.

و جوانان ما بر همان چیزی رشد می کنند، که پدرشان آن را به ایشان عادت داده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «قَابَوَاهُ يَهُودَانِهِ، أَوْ يُنَصِّرَانِهِ، أَوْ يُمَجِّسَانِهِ»

¹ بخاری (1358)، و مسلم (2658) نقل نموده اند.

پس پدر و مادر او هستند که وی را یهودی یا نصرانی می سازند، یا به آیین مجوس در می آورند. و نگفته است: «أَوْ يُسْلَمَانِهِ»، «یا او را مسلمان می کنند»، زیرا که او بر فطرت زاده و پرورش یافته است؛ پس توحید، دین فطرت است، اما شرک و دیگر گمراهی ها و باطل ها، همه با فطرت در ستیز و از آن بیگانه اند. و اما موافقت آن با عقل ها و خردهای استوار است، زیرا عقل مستقیم و استواری که از کژی و انحراف به دور است، جز به توحید راضی نمی شود و جز توحید را نمی پذیرد، پس کیست آن کس که عقل و خردی سلیم دارد و به چندگانگی معبودان یا دلبستگی به گنبدها و خاک رضایت می دهد؟

﴿أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ 39 مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾

﴿أَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ 39
آیا معبودان پراکنده [و متعدد] بهترند، یا الله یگانه و قهار؟
مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ
بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾.

شما به جای او [معبودی را] عبادت نمی کنید، مگر نام هایی [بی معنی] که خود و پدرانتان بر آنها نهاده اید. الله هیچ دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است. [سورة یوسف].

هنگامی که موحد جاهلیت زید بن عمرو بن نفیل از دین قومش جدا شد، گفت¹:

آیا یک پروردگار یا هزار پروردگار *** آنگاه که کارها تقسیم شود،
به کدامین خواهم گرایید

¹ «الْبَيْتَةُ» از ابن اسحاق (96/2).

لَا تَوْعُزِي رَا يَكْسِرَه كَنَارَ گِذَارِم *** هَمَانْكَوَنَه كَه مَرِدِ اسْتَوَار و
شَكِيْبَا اَنْجَام مِي دَهْد

نَه عَزِي رَا مِي پَرَسْتَم وَنَه دُو دَخْتَرِش رَا *** وَنَه بَت هَاي خَانْدَان
عَمْرُو رَا مِي گِردَانَم

و (پيامبر) بر قریش به خاطر قربانی هایشان خرده می گرفت و می
فرمود: «گوسفند را الله متعال آفرید و از آسمان برایش آب فرود آورد
و از زمین برایش رویانید، سپس شما آن را بیرون از نام الله سر می برید»
— این سخن را از روی انکار و بزرگداشت آن انجام می‌دهید¹.

پس در عقل ها هیچ چیز آشکارتر و درخشان تر از شناخت کمال
آفریننده این جهان و تنزیه او از عیب ها و کاستی ها و ویژه گردانیدن
بندگی و خضوع تنها به او وجود ندارد، و پیامبران با یادآوری و شرح این
شناخت آمدند؛ پس نیکویی توحید و زشتی شرک، در عقل ها و فطرت
ها جای گرفته و برای هر که دلی زنده و عقل سلیم و فطرت صحیح
دارد، شناخته شده است.

هفتم: از ویژگی های توحید آن است که توحید، پیوندی راستین و
پایدار و دوامدار در دنیا و آخرت است، و هیچ پیوندی میان مردم،
مانند پیوند توحید نیست؛ زیرا این پیوند که میان اهل توحید و ایمان
است، پیوندی پایدار و همیشگی و جاودان در دنیا و آخرت است.

﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ 67﴾

﴿الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ 67﴾

دوستان [دنیاپی]، در آن روز، دشمن یکدیگرند؛ مگر پرهیزگاران.
[سورة الزخرف]، و در آیه دیگر می فرماید:

¹ «صحیح بخاری» (3826).

{وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ 166}

{وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ 166}

و اسباب [و تمام روابطی که موجب نجاتشان می‌شد، همگی] قطع شود. [سورة البقرة] همه پیوندها و رشته‌ها گسستی، و هر دوستی نابودشونده و هر ارتباطی زوال پذیر است، مگر دوستی و پیوند و ارتباط در توحید و ایمان به الله عزوجل، آنچه برای الله باشد، پایدار می ماند و پیوسته است، و آنچه برای غیر او باشد، گسسته و جدا خواهد شد، هر اندازه که پیوندی نیرومند و ارتباطی ژرف باشد، بی گمان یا در دنیا یا در آخرت پایان می یابد، مگر پیوندی که بر توحید الله سبحانه و تعالی و ایمان نیک به او استوار باشد؛ پس این پیوندی است پایدار و جاودان در دنیا و آخرت.

هشتم: از ویژگی های توحید، سلامت سرچشمه آن است، توحید از چشمه ای زلال و سرچشمه ای پاک گرفته شده؛ از کتاب الله ذو الجلال و سنت پیامبرش -صلوات الله وسلامه علیه- که از روی هوس سخن نمی گوید و جز وحی الهام شده نیست، برگرفته شده است. این یک بخش است که تفصیل آن خواهد آمد.

نهم: از ویژگی های توحید، ثبات و حفظ آن است، و الله -تبارک و تعالی، حفظ این توحید و این دین و بقای آن را ضمانت کرده است، الله عزوجل می فرماید:

{هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ 33}

{هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ 33}

اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاده است تا آن را بر همهٔ ادیان پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان دوست نداشته باشند. [سورة التوبة]، و او جل جلاله می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾

﴿إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا﴾

الله از کسانی که ایمان آورده اند قطعاً [در برابر دشمنانشان] دفاع می کند. [الحج: 38]، و الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ 47﴾

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ 47﴾

و یاری دادن مؤمنان [حق] بر عهدهٔ ما است. [سورة الروم]، و او تعالی می فرماید:

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾

﴿يُنَبِّئُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾



الله کسانی را که ایمان آورده اند در زندگی دنیا و در آخرت، با سخن استوار [توحید] ثابت می گرداند. [إبراهيم: 27].

دهم: یکی از خصوصیات توحید، مشتمل بودن آن به بسیاری از ثمرها، فضیلت های زیادی و تأثیرات متنوع در دنیا و آخرت می باشد، و در پایان این موضوع سخنی در این مورد خواهد آمد.

مسئله دوم:

حقیقت توحید

توحید از ریشهٔ فعل وَحَد یُوَحِّد تَوْحِيدًا گرفته شده است، به معنای یگانه ساختن است و در اصل به مفهوم یکتایی و یگانگی دلالت

می کند، و توحید الله سبحانه و تعالی، به معنای ویژه ساختن ذات مقدس او و نفی هرگونه شریک در حقوق و ویژگی های منحصر به او است، هیچ موجودی در هیچ یک از صفات و حقوق او سبحانه و تعالی با وی شریک نیست.

پس ربوبیت - که شامل آفرینش، روزی بخشی، زنده کردن و میراندن، و تدبیر جهان است-، از ویژگی های خاص الله عزوجل می باشد.

اسماء حسنی، صفات برتر، اراده نافذ، قدرت بی کران، علم گسترده و کمال مطلق در نامها و صفات، همگی از مختصات ذات اقدس الله عزوجل است، پس هر کس برای مخلوق، سهمی از این ویژگی های الله متعال را قائل شود، توحید خود را نقض کرده است.

و حقوق الله سبحانه و تعالی بر بندگان، عبادت او و دوری از شرک است، چنانکه در حدیث معاذ رضی الله عنه آمده است: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ای معاذ، آیا می دانی که حق الله بر بندگانش و حق بندگان بر الله چیست؟ گفتم: الله و پیامبر او آگاه ترند. فرمود: «فَإِنَّ حَقَّ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُعْبُدُوهُ وَلَا يُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا، وَحَقُّ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ مَنْ لَا يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا»؛ «حق الله بر بندگان آن است که او را عبادت کنند و چیزی را با او شریک نیاورند، و حق بندگان بر الله آن است که هرآنکه چیزی را با او شریک نیاورده عذاب ندهد».¹

پس عبادت، حقی ویژه الله سبحانه و تعالی است؛ و هر کس بخشی از عبادت را به غیر الله اختصاص دهد توحید خود را باطل ساخته است. پس توحید: ویژه ساختن الله جل جلاله در حقوق و ویژگی های یگانه اش می باشد، و شرک: همتا قرار دادن غیر الله عزوجل با او در

¹ بخاری (2856، 5967)، و مسلم (30) نقل نموده اند.

یکی حقوق یا ویژگی های او می باشد، پس این حقیقت توحید، همانا یگانگی پنداشتن

الله سبحانه و تعالی و نفی هر شریکی برای اوست، آنگونه که الله عزوجل فرموده است:

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾

﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا﴾

و الله را عبادت کنید و چیزی را با او شریک نگردانید. [النساء: 36]،
و او جل جلاله می فرماید:

﴿وَاقْضِ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾

﴿وَاقْضِ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ﴾

و پروردگارت چنین فرمان داده است که جز او را عبادت نکنید.
[الإسراء: 23]، و الله سبحانه و تعالی می فرماید:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾

و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین
[خود] را برای او خالص گردانند . [البینه: 5]، و آیت ها در این معنا
زیاد اند.

از این رو، توحید به سه بخش تقسیم می شود:

توحید ربوبیت، توحید اسماء و صفات، و توحید الوهیت.

توحید ربوبیت: ویژه ساختن الله سبحانه و تعالی در اعتقاد به اینکه
تنها او آفریننده، روزی دهنده، مالک، نعمت بخش و گرداننده جهان
است، و هیچ شریکی در این امور ندارد، چنانکه الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ اللَّهُ﴾

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ﴾

[ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟»
بگو: «الله». [الرعد: 16]، الله متعال می فرماید:

﴿قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ 84 سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ
أَفَلَا تَذَكَّرُونَ 85 قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
86 سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ 87 قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ
وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ 88 سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ
فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾

(قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (84))

[ای پیامبر، به منکرانِ معاد] بگو: «اگر می دانید، [بگویید] زمین و
هر کس در آن است از آن کیست؟
سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ (85)

خواهند گفت: «[همه] از آن الله است». بگو: «پس آیا پند
نمی گیرید؟

﴿قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ 86
بگو: «پروردگار هفت آسمان و پروردگار عرش بزرگ کیست؟»
سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ (87)

خواهند گفت: «[همه] از آن الله است». بگو: «پس آیا [از الله]
پروا نمی کنید؟»

﴿قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ (88)

بگو: «اگر می‌دانید، [بگویید] فرمانروایی همه چیز به دست کیست؟ و [کیست که] پناه می‌دهد و کسی در برابر [عذاب] او پناه داده نمی‌شود؟

سَيَقُولُونَ لِلّٰهِ ۚ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

خواهند گفت: «[فرمانروایی همه چیز،] از آنِ الله است». بگو: «پس چگونه افسون می‌شوید [و نمی‌اندیشید]؟» [سورة المؤمنون]، الله متعال می‌فرماید:

﴿ذٰلِكُمْ اَللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اَللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ﴾

﴿ذٰلِكُمْ اَللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اَللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ﴾

این است الله، پروردگار شما؛ پس پر برکت و بزرگوار است الله که پروردگار جهانیان است. [سورة غافر]، الله متعال می‌فرماید:

﴿اَللّٰهُ خَلِقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾

﴿اَللّٰهُ خَلِقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾

الله آفریدگار همه چیز است، و او بر همه چیز نگهبان است. [سورة الزمر] و غیر از این آیت‌های دیگر.

قسم دوم: توحید اسماء و صفات: ویژه ساختن الله سبحانه و تعالی در نام‌های نیک و صفات برتری است که در کتاب و سنت پیامبر او آمده است، الله متعال می‌فرماید:

﴿اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی 8﴾

﴿اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی 8﴾

الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست [و] نیکوترین نام‌ها از آنِ اوست. [سورة طه]، و الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ اَدْعُوا اِلٰهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيَّا مَا تَدْعُوْنَ فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی﴾

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ﴾



بگو: «الله» را بخوانید یا «رحمان» را بخوانید؛ هر کدام را که بخوانید، نیکوترین نام‌ها برای اوست». [الإسراء: 110] ، الله متعال می‌فرماید:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ 22
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ
الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ 23 هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ
الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ 24﴾

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ 22﴾

او الله است که معبودی [راستین] جز او نیست؛ دانای غیب و آشکار است؛ او بخشنده مهربان است.
هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ
الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ 23

او الله است که معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ [اوست] فرمانروا، منزه، بی‌عیب و نقص، تصدیق‌کننده پیامبرانش، مراقب [اعمال بندگانش]، قدرتمند شکست‌ناپذیر، شکوهمند و شکست‌دهنده مطلق، والامقام و شایسته عظمت. الله از چیزهایی که [برای او به عنوان] شریک می‌آورند، پاک و منزه است.

هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ 24 ﴿

او الله است: خالق هستی، آفریدگار آن از نیستی [و] شکل‌دهنده مخلوقات؛ نام‌هایی نیک دارد. آنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح

او را می‌گویند، و او قدرتمند شکست‌ناپذیر [و] حکیم است. [سورة الحشر].

قسم سوم: توحید الوهیت و آن ویژه ساختن الله سبحانه و تعالی در تمامی عبادت‌ها مانند دعا، امید، ترس، نذر، قربانی، نماز، روزه و عبادت‌های دیگر، و نیز خالص قرار دادن دین برای وی و بیزاری از شرک است، چنانکه الله جل جلاله فرموده اند:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾،

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾،

و آنان فرمان نیافتند جز اینکه الله را عبادت کنند در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانند. و او عزوجل می‌فرماید:

﴿إِلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾

﴿إِلَّا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ﴾

آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آن الله است. [الزمر: 3]، و او عزوجل می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ 162 لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ﴾

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (162)﴾
(بگو همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و زنده شدن و مردن من همه برای الله است که پروردگار جهانیان است).
لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ ﴿

[همان ذاتی که] شریکی ندارد؛ و به این [عبادت الله به یگانگی و خالصانه] دستور یافته‌ام. [سورة الأنعام]، و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: «مَنْ مَاتَ وَهُوَ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ نِدَاً دَخَلَ النَّارَ»¹

«هرکس درحالی بمیرد که به جای الله همتایی را به فریاد می‌خواند، به دوزخ در می‌آید». این است توحید و حقیقت آن.

و برای هر یک از این سه قسم (توحید)، نقیضی وجود دارد؛ «اگر بدانی که توحید ربوبیت، اقرار به این حقیقت است که تنها الله متعال آفریننده، روزی دهنده، زنده کننده، میراننده، مدبّر همه امور، و گرداننده تمام مخلوقات است و هیچ شریکی در فرمانروایی او نیست، نقیض این باور، اعتقاد بنده به وجود مدبری همپایه الله متعال در اموری است که جز ذات اقدس الله متعال، کسی توان انجام آن را ندارد.

و اگر بدانی که توحید اسماء و صفات، به این معناست که الله متعال را تنها با نام هایی بخوانی که خودش بر خویش نهاده، و با صفاتی وصف کنی که خود یا رسولش محمد صلی الله علیه وسلم بیان کرده، و هرگونه تشبیه و تمثیل را از او نفی کنی، و نقیض این توحید دو چیز است که هر دو زیر عنوان «الحاد» (انحراف از حق) جای می‌گیرند:

نخست: نفی این صفات از الله عزوجل و محروم دانستن او از ویژگی های کمال و جلّالی که در کتاب و سنت ثابت شده است.

دوم: تشبیه صفات الله متعال به صفات آفریدگان، چنانکه خود فرموده است:

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

¹ بخاری (4497) و لفظ از اوست، و مسلم (92) از حدیث عبد الله بن مسعود رضی الله عنه نقل نموده اند.

﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾

هیچ چیز همانند الله نیست و همو شنوا و بیناست. [سورة الشوری]، الله متعال می فرماید:

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾

﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾

[الله] آنچه را که انسان ها [در آخرت] در پیش دارند و آنچه را که [در دنیا] پشت سر گذاشته اند [همه را] می داند؛ ولی دانش آنان او را فرا نمی گیرد. [طه: 110].

و اگر بدانی که توحید الوهیت، ویژه ساختن الله متعال در تمامی انواع عبادت و نفی پرستش از هر آنچه غیر الله تبارک و تعالی است می باشد، نقیض آن، اختصاص دادن بخشی از عبادت به غیر الله عزوجل است، این همان چیزی است که بیشتر مشرکان بدان دچارند و ریشه نزاع تمام پیامبران با امت های شان در همین بوده است»¹.

مسئله سوم:

تحقق بخشیدن و تکمیل توحید

تحقق توحید، مرتبه ای بلند و جایگاهی والا و رتبه ای شریف است، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیث مشهور ابن عباس و دیگران. رضی الله عنهم. ذکر نموده اند که اهل توحید روز قیامت بدون حساب و عذاب وارد بهشت می شوند، او صلی الله علیه وسلم می فرماید: «وَمَعَهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَلَا عَذَابٍ»

¹ «معارج القبول» از شیخ حافظ الحکمی (418/1).

«هفتاد هزار تن با ایشان بی حساب و عذاب وارد بهشت می شوند». سپس این قول را به آنان تذکر داد: «هُمُ الَّذِينَ لَا يَسْتَرْقُونَ، وَلَا يَكْتُمُونَ، وَلَا يَتَطَيَّرُونَ، وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»¹

«آنها کسانی هستند که درخواست دم نمی کنند، (و هنگامی که بیمار می شوند، از کسی) نمی خواهند که آنها را داغ کند، فال نمی گیرند و بر پروردگارشان توکل می نمایند». این، درجه ای عالی در توحید است که همانا تحقق و تکمیل توحید می باشد.

مقصود از تحقق توحید: تمامیت و کمال آن و تصفیه آن و تمیز کردن از آلودگی های شرک، بدعت ها و گناهان است، این سه مانع را علماء «عوائق» می نامند؛ مواعی که راهرو را در مسیر حرکت به سوی الله متعال و سرای آخرت باز می دارند: مانع شرک، مانع بدعت و مانع معصیت هست.

- مانع شرک را با اخلاص در توحید و یکتاپرستی می توان زدود.
- مانع بدعت را با پایبندی به سنت، پیروی از رسول الله صلی الله علیه وسلم و گام نهادن در روش ایشان می توان زدود.
- اما مانع معصیت را با دوری گزیدن از گناه، حذر از افتادن در آن و توبه نصوح به سوی الله متعال می توان زدود، اگر در گناهان گرفتار شد، چنین بنده ای که بدین رتبه رسد، به تحقق توحید دست یافته است.

تحقق توحید -همچنان- خود دو رتبه دارد: تحقیق واجب و تحقیق مستحب، هر دو اهل این رتبه ها بی حساب و عذاب به بهشت وارد می شوند:

¹ بخاری (5705)، ومسلم (220) نقل نموده اند.

رتبه نخست از تحقق توحید: رتبه مقتصدان است، مقتصد: کسی است که واجبات را به جای آرد و محرمات را ترک کند، هرگاه بنده ای واجبات و فرائض را پاس دارد و از محرمات و گناهان کبیره پرهیزد، توحید را به گونه واجب محقق ساخته و از مقتصدان شمرده می شود، که بی حساب و عذاب وارد بهشت می شوند.

رتبه دوم، برتر از نخستین است: تحقق توحید به گونه مستحب، که رتبه سبقت کننده گان در خیرات و نیکی ها است، اینان افزون بر پاسداری واجبات و دوری از کبائر و محرمات، در نوافل و مستحبات نیز پیشتازند.

این دو گروه محققان توحید. مقتصدان و سبقت کننده گان در خیرات و نیکی ها. همگی بی حساب و عذاب به بهشت درمی آیند. الله متعال می فرماید:

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ 32 جَنَّتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا﴾

﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنُ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ 32

آنگاه این کتاب [= قرآن] را به آن بندگانمان که [آنان را] برگزیدیم [= به امت محمد] به میراث دادیم؛ [برخی] از آنان در حق خویش ستمکارند و [برخی دیگر] از آنان میانه رو هستند و [برخی] از آنان به فرمان الله در نیکی ها پیشتازند. این [مسلمانی و بهره مندی از قرآن، فضیلت و] بخشایش بزرگ است.

جَنَّتٌ عَدْنٌ يَدْخُلُونَهَا ﴿

[پاداششان] باغ‌های جاودان [بهشتی] است که به آن وارد می‌شوند. [سورة فاطر] یعنی: به باغ‌های جاودان سه دسته از مردم وارد می‌شوند: کسی که در حق خویش ستمکار است، مقتصد و میانه رو، پیش‌تاز در خیر و نیکی‌ها. اما مقتصد و سبقت‌کننده گان در نیکی‌ها، بی‌درنگ و بی‌حساب وارد بهشت می‌شوند.

اما ستمکار بر خویش. که گنا‌هانی کمتر از شرک دارد. هرچند وارد بهشت می‌شود، نه در قدم نخست و نه بی‌حساب و عذاب، مانند مقتصد و سبقت‌کننده گان در نیکی‌ها؛ بلکه در معرض عذاب و حساب خواهد بود، و او تحت مشیت الهی قرار گرفته، اگر الله بخواهد عذابش کند و اگر بخواهد او را میامرزد.

مسئله چهارم:

نواقض و کاستی‌های توحید

توحید دارای نواقض و کاستی‌ها است، ناقض‌های توحید اموری هست که عمل را باطل و دین را به کلی نابود می‌کنند، مانند کفر به الله، شرک و نفاق خالص، کفر با انواع مختلف آن، شرک با اشکال گوناگون، و نفاق اکبر با انواع مختلف آن، همه این‌ها از ناقض‌های توحیدند که آن را از ریشه ویران می‌کنند، شرک اکبر با انواع آن، کفر اکبر با انواع آن، نفاق اکبر با انواع آن، همه این‌ها نقض‌کننده گان توحید و نابودکننده گان آن از ریشه هستند، الله متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾

﴿إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ﴾

همانا منافقان در پایین‌ترین درجات دوزخند. [النساء: 145]، الله متعال می‌فرماید:

(وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ)

﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾

و هر کس به [ارکان] ایمان کفر بورزد، قطعاً عملش تباه شده است.
[المائدة: 5]، الله متعال فرمود:

(وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ
وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ 65)

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ
وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ 65﴾

به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: «اگر شرک بورزی،
[پاداش] کارهایت قطعاً برباد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد. [سورة
الزمر]، توحید با شرک اکبر، نفاق اکبر و کفر اکبر در همه اشکال شان
نقض شده و نابود می گردد، شرح این مفصل نیازمند بحثی گسترده
است.

اما نقصان های توحید، اموری هستند که توحید را ناقص می
سازند اما آن را به کلی باطل نمی کنند، از آن جمله کفر اصغر و نفاق
عملی می باشد، چنانکه در حدیث آمده است: «آيَةُ الْمُنَافِقِ ثَلَاثٌ: إِذَا
حَدَّثَ كَذَبَ وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِذَا أُؤْتِمِنَ خَانَ»¹؛

منافق سه نشانه دارد: هرگاه سخن بگوید، دروغ می گوید، هرگاه
وعده بگذارد، وعده خلافی می کند، هرگاه برایش امانت داده شود، در
آن خیانت می کند. این ها ناقص کننده های توحید اند که اگر در بنده
ای یافت شود، توحید و ایمانش را ناقص می کنند، همچنین شرک
اصغر و الفاظ شرک آمیزی که شخص قصد حقیقت آنها را ندارد، اما

¹ بخاری (33)، و مسلم (58) از حدیث ابو هریره نقل نموده اند.

بر زبانش جاری می شود، این ها توحیدش را کاهش می دهند، اما اگر کسی حقیقت آنها را باور کند، از جمله شرک اکبر و ناقض توحید خواهد بود.

از این رو بر مؤمن واجب است که توحید خود را با دوری از هر ناقض و نقصانی پاک دارد.

شیخ عبدالرحمن بن حسن می گوید: «بدان که ضد توحید، شرک است و شرک سه نوع است؛ شرک اکبر، شرک اصغر و شرک خفی. و دلیل بر شرک اکبر، این فرموده الله متعال است:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا 116﴾

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا 116﴾

الله این [گناه] را که به او شرک آورده شود، قطعاً نمی آمرزد و غیر آن [هر گناهی] را برای هر کس که بخواهد می آمرزد؛ و هر کس به الله شرک آورد، بی تردید در گمراهی دور و درازی افتاده است. [سورة النساء : 116]، وقول الله متعال:

﴿وَقَالَ الْمَسِيحُ يَنْبِيَّ إِسْرَءِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ 72﴾

﴿وَقَالَ الْمَسِيحُ يَنْبِيَّ إِسْرَءِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ 72﴾

کسانی که گفتند: «الله همان مسیح پسر مریم است» یقیناً کافر شدند؛ در حالی که [خود] مسیح گفت: «ای بنی اسرائیل، الله را عبادت کنید که پروردگار من و پروردگار شماست. بی تردید، هر کس به

الله شرک ورزد، الله بهشت را بر او حرام کرده است و جایگاهش دوزخ است؛ و ستمکاران هیچ یآوری ندارند». [سورة المائدة: 72].

و آن چهار نوع است:

نوع اول: شرک دعا است، دلیل آن این فرموده الله متعال است:

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ 65 لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ 66﴾

﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ 65﴾

وقتی [مشرکان] در کشتی سوار می‌شوند، الله را با اخلاص می‌خوانند؛ اما چون آنان را به خشکی می‌رساند و [از خطر غرق شدن] می‌رهاند، آنگاه [باز هم] شرک می‌ورزند.

﴿لِيَكْفُرُوا بِمَا ءَاتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ 66﴾

[چنین می‌کنند] تا نسبت به نعمت‌هایی که به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند و [از لذت‌های زندگی دنیا] بهره‌مند باشند. به زودی [سرانجام دردناکشان را] خواهند دانست. [سورة العنکبوت: 66].

نوع دوم: شرک در نیت است، که همانا اراده و قصد می‌باشد، دلیل بر آن این قول الله متعال است:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ 15 أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبُطِلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ 16﴾

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوفٌ إِلَيْهِمْ أَعْمَلَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ 15﴾

کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را می‌خواهند، [پاداش] کارهایشان را در این [دنیا] به تمامی آنان می‌دهیم و در آن [پاداش، هیچ] کم و کاستی نخواهند دید.

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿16﴾

اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش [دوزخ، هیچ نصیبی] نخواهند داشت و آنچه در دنیا انجام داده‌اند، بر باد رفته است و آنچه می‌کردند، تباه است. [سورة هود].

نوع سوم: شرک طاعت است، و دلیل آن این قول الله متعال است:

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا وَحِدًا ۚ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿31﴾﴾

﴿اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا وَحِدًا ۚ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿31﴾﴾

[این مشرکان،] علماء و راهبان خود و [همچنین] مسیح. پسر مریم. را به جای الله [به عنوان] معبودان خویش قرار دادند؛ حال آنکه دستوری جز این نداشتند که فقط الله یگانه را عبادت کنند که معبودی [به حق] جز او نیست. او تعالی از آنچه [با وی] شریک قرار می‌دهند، منزّه است. [سورة التوبة] تفسیر روشن این آیه، اطاعت از علما و عابدان در نافرمانی الله است، نه عبادت آنها، چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم برای عدی بن حاتم توضیح داد، زمانی که از وی پرسید: پس او گفت: ما آنان را نمی‌پرستیم، پس برایش تذکر داد و گفت که عبادت آنان، همان اطاعت شان در معصیت است.

نوع چهارم: شرک محبت، و دلیل بر آن این فرموده الله متعال است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ 165﴾

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْوْنَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ 165﴾

[با وجود این آیات روشن،] برخی از مردم، همتایانی غیر از الله را [برای عبادت] برمیگزینند و آنها را همچون الله دوست می‌دارند؛ و [لی] کسانی که ایمان آورده‌اند الله را بیشتر دوست دارند؛ و کسانی که [با ارتکاب شرک و گناهان، بر خود] ستم کردند، هنگامی که عذاب [قیامت] را ببینند، [خواهند دانست] که تمام قدرت از آن الله است و اینکه الله سخت‌کیفر است. تا این فرموده الله متعال:

﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ 167﴾

﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ 167﴾

و [کافران] هرگز از آتش [دوزخ] بیرون نخواهند شد. [سورة البقرة

.]

نوع دوم: شرک اصغر، که عبارت است از ریا و خودنمایی، دلیل بر آن این فرموده الله متعال است:

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا 110﴾

﴿ 110﴾

﴿فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا 110﴾

پس هر کس به دیدار پروردگارش [در آخرت] امید دارد، باید کار شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نسازد. [سورة الکهف].

نوع سوم: شرک خفی، و دلیل بر آن این فرموده او صلی الله علیه وسلم است: «الشِّرْكَ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى الصَّفَاةِ السَّوْدَاءِ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ»،

«شرک در این امت پنهان تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه در شب تاریک است». و کفار آن این فرموده او صلی الله علیه وسلم است: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ شَيْئًا وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنَ الذَّنْبِ الَّذِي لَا أَعْلَمُ».

«الهی پناه می برم به تو از آن که دانسته به تو شرک ورزم، و از گناهی که نمی دانم آموزش می طلبم».

کفر دو نوع است:

کفری که از ملت خارج می کند، و آن پنج نوع است:

نوع اول: کفر تکذیب، و دلیل بر آن این فرموده الله متعال است:

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ 68﴾

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ 68﴾

و کیست ستمکارتر از آن که بر الله دروغ می بندد یا حق را. آنگاه که به او می رسد. دروغ می انگارد؟ آیا در دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟ [سورة العنکبوت].

نوع دوم: کفر استکبار و امتناع است با وجود تصدیق، و بدلیل این فرموده الله متعال:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ 34﴾

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ 34﴾

[یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: «برای [بزرگداشت و احترام، به] آدم سجده کنید»؛ پس [همگی] سجده کردند جز ابلیس که خودداری کرد و تکبر ورزید و از کافران شد. [سورة البقرة].
نوع سوم: کفر شک، که همانا کفر گمان است، و دلیل بر آن این فرموده الله متعال است:

﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا 35 وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا 36 قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا 37﴾

﴿وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا 35﴾
و او در حالی به باغ خویش داخل شد که [به خاطر کفر و غرور،]
در حق خویش ستمکار بود؛ [پس رو به دوستش] گفت: «گمان نمی کنم که این [باغ] هرگز نابود گردد.

﴿وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا 36﴾

و گمان نمی کنم که قیامت بر پا گردد؛ و اگر [قیامتی در کار باشد و]
به سوی پروردگارم بازگردانده شوم، قطعاً جایگاهی بهتر از این می یابم».
﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا 37﴾

دوستش که با وی گفتگو می کرد به او گفت: «آیا به آن ذاتی که تو را از خاک [و] سپس از نطفه آفرید و سپس تو را مردی [کامل] سامان داد کافر شده ای؟ [سورة الکهف].

نوع چهارم: کفر اعراض، و دلیل بر آن این فرموده الله متعال است:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ 3﴾

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ 3﴾

و[لی] کافران از آنچه به آنان هشدار داده شده، رویگردانند. [سورة الأحقاف].

پنجم: کفر نفاق، و دلیل بر آن این فرموده الله متعال است:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ 3﴾

﴿ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ﴾

(3)

این به خاطر آن است که آنها ایمان آوردند، سپس کافر شدند؛ آنگاه بر دل هایشان مهر نهاده شده، پس در نمی یابند. [سورة المنافقون].

اما کفر اصغر که از ملت خارج نمی کند، کفر نعمت است؛ و دلیل بر آن این فرموده الله متعال است:

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا

يَصْنَعُونَ﴾

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾

و الله شهری [همچون مکه] را مثال می زند که امن و آرام بود [و] روزی اش از هر سو به آسانی و فراوانی می رسید؛ ولی [مردمانش] نسبت به نعمت های الهی ناسپاسی نمودند و آنگاه الله [نیز] به سزای آنچه مرتکب می شدند، طعم گرسنگی و ترس را به [اهالی] آن چشاندند. [النحل: 112]، و فرموده او تعالی:

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ 34﴾

﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ 34﴾

به راستی که انسان، [در حق خویش،] ستمکار [و نسبت به الله،] ناسپاس است. [سورة ابراهيم].

اما نفاق به دو نوع است: نفاق اعتقادی، و نفاق عملی: نفاق اعتقادی:

و آن شش نوع می باشد:

که شامل تکذیب رسول، و یا تکذیب بعضی آنچه را رسول آورده است، دشمنی با او، و یا دشمنی با آنچه رسول آورده است، و شادی از سستی دین رسول، و یا کراهت از پیروزی دین رسول می باشد، که صاحبش در پایینترین درک جهنم خواهد بود، از نفاق و شقاق به الله پناه می بریم.

و اما نفاق عملی:

و آن پنج نوع می باشد:

هرگاه سخن گوید، دروغ بزند؛ و چون و هرگاه ستیزه کند از حق تجاوز کند؛ و هرگاه پیمان بزند، نقض عهد کند؛ و هرگاه امین شمرده

شود، خیانت ورزد؛ و چون وعده دهد، از عهد خویش بازماند. والله .
«أعلم»¹.

مسئله پنجم:

سرچشمه توحید

توحید، دینی است راستین و ایمانی است استوار که از کتاب الله و سنت پیامبرش .علیه الصّلاة والسّلام . سرچشمه گرفته است، این یگانه دینی است که با وحی آسمانی نازل شده، و هر آنچه در میان مردم از باورهای ناسازگار و مخالف توحید وجود دارد، پندارهایی است که در زمین روییده و مردمان آن را بر ساخته و پدید آورده اند، توحید، تنها عقیده ای است که از آسمان به فرمان الله متعال وحی شده، و دین الله متعال است که برای بندگانش پسندیده است، الله متعال می فرماید:

﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

﴿وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

و اسلام را [به عنوان بهترین] دین برایتان برگزیدم. [المائدة: 3]،
الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾

﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ﴾

هر کس دینی غیر از اسلام برگزیند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد. [سورة آل عمران: 85]، الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ﴾

¹ «الدُّرَرُ السَّنِيَّةُ» (66/3).

(وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفِهَةِ نَفْسِهِ)
 و چه کسی جز آن که خود را به [سبکسری و] نادانی می‌اندازد از
 آیین ابراهیم رویگردان می‌گردد؟ [البقرة: 130]، الله متعال می‌فرماید:
 ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾

﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾
 در حقیقت، دین [پسندیده] نزد الله همان اسلام است. [آل
 عمران: 19]؛ توحید، وحی فروفرستاده شده از سوی الله عزوجل برای
 بنده گانش است، و دین اوست که آفریدگان را برای تحقق آن آفرید،
 از همین رو، چنانچه قبلاً تذکر دادیم که الله متعال می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾
 ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾
 یقیناً ما در هر امتی، پیامبری را [با این پیام] برانگیختیم که: «الله
 یکتا را عبادت کنید و از طاغوت [= معبودان غیر الله] دوری کنید».
 [النحل: 36]،

﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ 1 يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ
 بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
 فَاتَّقُونِ 2﴾

﴿أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَنَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ 1﴾
 [ای کافران، لحظه وقوع قیامت و] فرمان الله [برای عذابتان]
 نزدیک شده است؛ پس برای [رسیدن] آن شتاب نکنید. او منزه است
 و از چیزهایی که با وی شریک می‌سازند برتر است.
 يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا
 أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ 2﴾

[الله] به فرمان خویش فرشتگان را با وحی بر هر یک از بندگان
که بخواهد نازل می‌کند [با این پیام] که: «ای پیامبران، مردم را از
شرک به الله [بیم دهید] و به آنان بگویید که [معبودی [به حق] جز
من نیست؛ پس [ای مردم،] از من پروا کنید». [سورة النحل].

اما دیگر عقاید غیر از توحید، باورهای هستند که در زمین روییده
و ساخته و پرداخته ی مردمند. از اینرو، روش پیامبران در باطل ساختن
عقاید شرک آلود، کفرآمیز و نفاق آمیز و دیگر گمراهی ها این بوده که
نشان می دادند هیچ وحی آسمانی بر آن ها نازل نشده است، چنانکه
قبلا در مورد یوسف (علیه السلام) اشاره نمودیم که به دو زندانی
همراهش گفت:

﴿أَرْبَابَ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَحِيدُ الْقَهَّارُ 39 مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا
أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾

﴿أَرْبَابَ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَحِيدُ الْقَهَّارُ 39
آیا معبودان پراکنده [و متعدد] بهترند، یا الله یگانه پیروزمند؟
مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾.

شما به جای او [معبودی را] عبادت نمی‌کنید، مگر نام‌هایی
[بی‌معنی] که خود و پدرانتان بر آنها نهاده‌اید. الله هیچ دلیلی بر
[حقانیت] آنها نازل نکرده است. [سورة یوسف]، و الله عزوجل در
سورة النجم فرموده اند:

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ 19 وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ 20 أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ
الْأُنثَىٰ 21 تِلْكَ إِذَا قَسَمَ ضِيزَىٰ 22 إِنَّ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ
وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ﴾

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ 19

[ای مشرکان،] آیا «لات» و «عزى» را دیده‌اید؟

وَمَنْوَةُ الثَّلَاثَةِ الْأُخْرَى 20

و «مَنات» آن سومین [نماد بی‌ارزش] را؟ [آیا هیچ سود و زیانی به شما می‌رسانند؟]

الْكُمِّ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَى 21

آیا [ادعا می‌کنید که] فرزند پسر برای شماست و دختر برای الله؟

تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَى 22

در این صورت، این تقسیمی ناعادلانه است.

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَّا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ﴿

این [نماد]‌ها فقط اسم‌هایی [بی‌معنا] هستند که خود و پدرانتان با آنها [معبودهای دروغین خود را] نام نهاده‌اید و الله هیچ دلیلی [بر حقانیت این کار] نازل نکرده است. [سورة النجم]، و هود علیه السلام برای قومش فرمود:

﴿اتَّجِدُلُونِي فِيْ اَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا اَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ فَانْتٰظِرُوْا اِىَّيْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ 71﴾

﴿اتَّجِدُلُونِي فِيْ اَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا اَنْتُمْ وَاَبَاؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ فَانْتٰظِرُوْا اِىَّيْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ 71﴾

آیا درباره اسم‌هایی که خود شما و پدرانتان آنها را [معبود] نام نهاده‌اید و الله هیچ دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است با من مجادله می‌کنید؟ پس منتظر باشید [که] بی‌گمان، من [نیز] با شما از منتظرانم [سورة الأعراف].¹

¹ هذه الآية في سورة الأعراف و ليست في سورة هود.

بنیاد توحید و سرچشمه آن کتاب الله عزوجل و سنت پیامبرش .
صلی الله علیه وسلم . است، و از این چشمه ی زلال و سرشارِ پاکی
گرفته شده است؛ اما سرچشمه ی باورهای مردم یا عقل های فاسد
و اندیشه های نادرست خودشان، یا وحی شیطان های سرکش است،
وحی دو گونه است: وحی رحمانی و وحی شیطانی، الله متعال می فرماید:

﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجِدُوا كُفْرًا وَإِنَّ أَطْعَمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ 121﴾

﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجِدُوا كُفْرًا وَإِنَّ أَطْعَمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ 121﴾

و در حقیقت، شیاطین به دوستان خود القا می کنند که با شما [در
این مورد] مجادله نمایند؛ و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما [نیز
در زمره] مشرکان هستید. [سورة الأنعام]، الله متعال می فرماید:

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾

﴿وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾

و [ای پیامبر محمد، تو را با دشمنی مشرکان آزمودیم و] همچنین
برای هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم که برخی از
آنان در نهان، به برخی دیگر سخنان فریبنده [و بی اساس] القا می کنند.
[الأنعام: 112]، الله متعال می فرماید:

﴿هَلْ أَتَيْنَكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ 221﴾

﴿هَلْ أَتَيْنَكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ 221﴾

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟ [سورة
الشعراء]، حتی مختار بن ابی عبید نیز از این دسته بود تا جایی که به

ابن عمر و ابن عباس، برای یکی از آنان گفته شد: «او ادعا می کند که به او وحی می شود؛ او گفت:

﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوَّلِيَّائَهُمْ لِيُضِلُّوكُمْ﴾،

﴿وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوَّلِيَّائَهُمْ لِيُضِلُّوكُمْ﴾،

و در حقیقت، شیاطین به دوستان خود القا می کنند که با شما [در این مورد] مجادله نمایند. و به دیگری گفته شد: «او می گوید که بر او وحی نازل می شود؛ او گفت:

﴿هَلْ أَنْبَأَكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ۚ﴾ 221».

﴿هَلْ أَنْبَأَكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ ۚ﴾ 221¹.

آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟

شیطان به گمراهان، عقاید و اندیشه ها و وسوسه هایی القا می کند که بدان ها ایمان می آورند و سپس مردم را به سوی این «وحی شیطانی» فرا می خوانند، یا گاه انسان ها با ذوق فاسد خود به اموری می رسند و بر اساس آن، اعمال، عبادات و مراسم می سازند و در توجیه آنها می گویند: «ما یا مشایخ مان آزموده ایم!» حال آنکه دین با تجربه به دست نمی آید، یا خواب هایی می بینند و بر پایه ی آن، دین و عقیده های بنا می کنند، و به همین ترتیب سرچشمه های ناپاکی که بسیاری از مردم، باورهای بی اساس را از آن می گیرند، که الله متعال بر آن هیچ دلیل و برهانی نازل ننموده است.

پس عقیده ی مبارک؛ عقیده توحید. که دین الله سبحانه و تعالی است که جز آن را نمی پذیرد. عقیده که از چشمه ای زلال و سرچشمه ای پاک گرفته شده است، هر که از این سرچشمه زلال نخست

¹ «مجموع الفتاوی» ابن تیمیة (75/13).

بنوشد، دیگر منابع را تیره و آلوده می یابد، اما انسان تنها زمانی آلودگی این منابع را در می یابد که سرچشمه ی پاک و ناب، یعنی وحی و تنزیل الهی را بشناسد، از همین روست که بسیاری از مشرکان پس از هدایت و گرایش به توحید، پی می برند که مردمانی بی خرد بوده اند، در حالی که در زمان گمراهی و شرک، گمان می کردند بر عقل راستین و دین استوارند.

بر همین اساس، برخی صحابه گاه گرد هم می آمدند و از کارهای شگفت انگیز خود در دوران شرک یاد می کردند و سپاس الله متعال را بجا می آوردند، که به اسلام و توحید رهنمون شان شد، ابو عثمان نهدی. که دوران جاهلیت را درک کرد و در عهد رسول الله (صلی الله علیه وسلم) اسلام آورد در حالی که او را ندیده بود. می گوید: «در جاهلیت، سنگی را می پرستیدیم، روزی ندایی شنیدیم که فریاد زد: ای کاروانیان! پروردگارتان نابود شده است، پس پروردگاری دیگر بجوید، یعنی همان سنگی که همراه شان بود ناپدید و گم گردید، گفت: ما نیز به هر سو روانه شدیم، در این میان، ندا دهنده ای فریاد زد:

پروردگارتان را یافتیم! و یا سنگی دیگر مانند آن یافتیم، گفت: زمانی که نزد او آمدیم و نگاه کردیم که سنگی است، و ما گوسفندان را در پای آن قربانی کردیم»¹، پس سنگی دیگر همانند آن یافتند و آن را آوردند، روی به پرستش نهادند، امیدها به او بستند و دعاها، آرزوها و قربانی های خویش را نثارش کردند، اینان چگونه خردی داشتند؟! در همان هنگام که این اعمال را انجام می دادند، پیامبران الله را دیوانه می خواندند و خود را خردمندان می پنداشتند، اما هنگامی که

¹ ابن ابوشیبۀ در «مَصْنَفُ اش» (33914)، و ابن سعد در «الطَّبَقَاتُ الْکُبْرَى» (97/7)، و ابو نعیم در «مَعْرِفَةُ الصَّحَابَةِ» (4707) نقل نموده اند، و اسناد آن حسن است.

الله عزوجل دل‌های شان را به نور توحید و ایمان روشن ساخت، دریافتند که مشرکان بر چه راه فسادى بوده اند و سرچشمه‌های اعتقادى آنان چقدر آلوده و آمیخته به باطل و گمراهی بوده است، و برای آنان روشن گردید که هر مشرک عقل فاسد دارد.

ثمرات و فواید توحید

توحید، ثمرات و فوایدی بی حساب و بی پایانی دارد، الله متعال در قرآن اشاره فرموده است:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ 24 تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ﴾

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ 24﴾

[ای پیامبر،] آیا ندیدی که الله چگونه مثل زده است؟ کلمه پاک [لا اله الا الله] همچون درخت [نخل تنومند و] پاکی است که ریشه‌اش [در اعماق زمین] استوار است و شاخه‌اش بر آسمان [سر برآورده] است.

﴿تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ﴾

میوه‌اش را هر لحظه به فرمان پروردگارش می‌دهد. [سورة إبراهيم]

یعنی ثمرات و فواید آن

پس فواید توحید در دنیا و آخرت برای بنده، بی حد و مرز است، به طور کلی می‌توان گفت:

هر خیری که بنده در دنیا و آخرت به آن می‌رسد، و هر شری که از آن رهایی می‌یابد، از ثمرات توحید است، از برجسته‌ترین ثمرات توحید، صحت و پذیرش اعمال است؛ زیرا هیچ عملی هر اندازه که بزرگ هم باشد، بدون توحید پذیرفته نمی‌شود، توحید برای اعمال،

همچون پایه ی ساختمان و ریشه ی درخت است، بنابرین الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۝۱۹﴾

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ۝۱۹﴾

و هر که طالب زندگی آخرت باشد و برای آن به قدر لزوم و توان بکوشد البته به شرط ایمان به الله، سعی چنین کسانی مقبول و مأجور خواهد بود. [سورة الإسراء]، و او عزوجل می فرماید:

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۹۷﴾

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۹۷﴾

هر کس . مرد یا زن . که کار نیک کند و مؤمن باشد، قطعاً او را [در دنیا] به زندگانی پاک و پسندیده‌ای زنده می داریم و [در آخرت نیز] بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری که می کردند، به آنان پاداش می دهیم. [سورة النحل]، پس توحید، اعمال را اصلاح و پاک می کند،

هرچند انسان را اعمال بسیار و فراوان باشد؛ آن اعمال از او پذیرفته نمی شود، مگر آن که بر پایه ی توحید استوار باشد، الله متعال می فرماید:

﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ ۝۱۰۰﴾
﴿وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ ۝۱۰۰﴾



و هیچ چیز مانع قبول نفقه های شان نشد، جز این که آنان به الله و پیامبرش کفر ورزیدند. [التوبة: 54]، الله متعال می فرماید:

﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾

﴿وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ﴾

و هر کس به [ارکان] ایمان کفر بورزد، قطعاً عملش تباه شده است. [المائدة: 5]، و فرمودند:

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ﴾

﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ﴾

به تو و پیامبران پیش از تو وحی شده است که: «اگر شرک بورزی، [پاداش] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت. [الزمر: 65]؛ توحید، اعمال را اصلاح میکند و تنها راه پذیرش آن است. و توحید عامل رستگاری و بلندمرتبی در دنیا و آخرت است.

﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ 5﴾

﴿أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ 5﴾

اینان از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند و رستگاران [واقعی] همین‌ها هستند. [سورة البقرة]: پس اهل توحید، راه یافتگان و رستگارانند، و فلاح بزرگترین واژه ای است که برای بهره گیری از خیر و نیکی به کار می رود، مُفْلِح کسی است که خیر دنیا و آخرت را به چنگ آورد، و این جز با توحید و اخلاص در دین الله سبحانه و تعالی میسر نیست.

از دیگر ثمرات توحید، بهره مندی از کرامت الهی و بهشت، و نجات از عذاب و خشم اوست، هر که الله سبحانه و تعالی را با توحید ملاقات کند، وارد بهشت می گردد، و هر که الله سبحانه و تعالی با

شرک ملاقات کند. والعیاذ بالله، وارد دوزخ گردیده و در آن جاودانه و تا ابد می ماند، الله عزوجل می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ﴾

بی گمان الله این را که به او شرک آورده شود، نمی بخشد، و غیر از آن را برای هر کس بخواهد می بخشد. [النساء: 48]، پس توحید، از آثار و ثمراتش، رستگاری در بهشت و رهایی از دوزخ است.

اگر کسی توحید را به حد واجب یا مستحب محقق کند، از ورود به دوزخ نجات می یابد، اما اگر موحد باشد و گناهانی غیر از شرک مرتکب شده باشد، از جاودانگی در دوزخ رهایی می یابد؛ زیرا در دوزخ جز مشرک جاودان نمی ماند، چنانکه در حدیث آمده است: «الله متعال به فرشتگان فرمان می دهد، هر کس که ذره ای شرک نورزیده شایسته ی رحمت اوست، و او را از آتش بیرون آورند، کسانی که می گویند: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»¹.

از دیگر ثمرات توحید، گشایش سینه است، هر چه توحید کاملتر و نیرومندتر باشد، سینه ی صاحبش گشاده تر خواهد بود. الله تعالی فرموده است:

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ﴾

﴿أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ﴾

پس آیا کسی که الله دلش را پذیرای اسلام کرده و از جانب پروردگارش، از نور [هدایت و بصیرت] برخوردار گشته. [الزمر: 22]، الله متعال می فرماید:

¹ بخاری (7437)، و مسلم (182) از حدیث ابو هریره نقل نموده اند.

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾

﴿فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾

پس هر کس که الله بخواهد او را هدایت کند، دلش را برای [پذیرش] اسلام می‌گشاید؛ و هر کس را بخواهد در گمراهی واگذارد، دلش را بسیار تنگ [و بسته] می‌سازد [و پذیرش حق را چنان برایش محال می‌گرداند که] گویی می‌خواهد از آسمان بالا رود [ولی نمی‌تواند]. [الأنعام: 125]، هدایت و توحید از بزرگترین عوامل گشایش سینه هست، و شرک و گمراهی از عوامل اصلی تنگی آن هست.

همچنین از ثمرات توحید، این است که الله متعال به اهل توحید عزت، پیروزی در دنیا، توفیق اصلاح امور و حکمرانی بر زمین را وعده داده است، الله متعال می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ 55﴾

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ 55﴾

الله به افرادی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که قطعاً آنان را در زمین جانشین [مشرکان] می‌سازد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند [نیز] جانشین [کافران و ستمگران] نمود؛ و [فرموده است] دینشان را که برای آنان

پسندیده است، حتماً برایشان استوار [و پیروزمند] می‌سازد و یقیناً ترسشان را به آرامش و امنیت تبدیل می‌کند؛ [چرا که] تنها مرا عبادت می‌کنند و چیزی را با من شریک نمی‌سازند؛ و هر کس از این پس کفر بورزد، آنان نافرمانند. [سورة النور].

از دیگر ثمرات توحید، این است که توحید دروازه‌ی خیر، شادی، لذت، آرامش و سرور را به روی بنده می‌گشاید، الله متعال می‌فرماید:

﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ 28﴾
 ﴿الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ 28﴾

[همان] کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد الله آرام می‌گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد الله دل‌ها آرام می‌گیرد. [سورة الرعد]، الله متعال می‌فرماید:

﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى 123 وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمًى 124﴾

﴿فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِّنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى 123﴾
 اگر از [جانب] من رهنمودی برایتان رسید، [بدانید] هر کس از هدایتم پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه [از عذاب دوزخ] به رنج می‌افتد.

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمًى 124﴾

و کسی که از یاد من رویگردان شود، یقیناً زندگی سختی خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا برمی‌انگیزیم. [سورة طه].

این بود اشاره ای کوتاه به این موضوع بزرگ، از الله متعال می
خواهم که ما را از دانش خود بهره مند سازد، این نوشته را حجتی برای
مان قرار دهد، و به راه راست هدایتمان کند.
والله أعلم، و صلی الله وسلّم علی عبده ورسوله نبینا مُحَمَّد وآله
وصحبه أجمعین.

مسئله ششم:

فهرست

2	از نشانه های توحید
3	:مسئله نخست
3	ویژگی ها و فضیلت های توحید
15	:مسئله دوم
15	حقیقت توحید
23	:مسئله سوم
23	تحقق بخشیدن و تکمیل توحید
26	:مسئله چهارم
26	نواقض و کاستی های توحید
36	:مسئله پنجم
36	سرچشمه توحید
43	ثمرات و فواید توحید
49	:مسئله ششم